

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۲ ۱۸۷۶



دانشگاه سیستان و بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی مضامین اجتماعی مشترک در دیوان ملک الشعرا بهار و اقبال لاهوری

استاد راهنما:

دکتر مریم شعبانزاده

استاد مشاور:

دکتر محمد امیر مشهدی

۱۳۸۸/۷/۱۶

تعمیر مرکز
اطلاعات مرکز

تحقیق و نگارش:

مژده اصلانی

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

تیر ۱۳۸۸

۱۲۱۸۶۷



بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان (مضامین اجتماعی مشترک در دیوان ملک الشعراء بهار و اقبال لاهوری) قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد (زبان و ادبیات فارسی) توسط دانشجو (مژده اصلانی) تحت راهنمایی استاد پایان نامه (دکتر مریم شعبانزاده) تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

(مژده اصلانی)

این پایان نامه واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۱۳۸۸/۰۷/۰۷ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

| نام و نام خانوادگی | امضاء | تاریخ |
|---|-------|------------|
| استاد راهنما: دکتر مریم شعبانزاده | | ۱۳۸۷/۰۶/۰۶ |
| استاد مشاور: دکتر محمد امیر مشهدی | | ۱۳۸۸/۰۴/۰۶ |
| داور ۱: دکتر محمد علی زهرازاده | | ۱۳۸۸/۰۴/۰۶ |
| داور ۲: دکتر عبدالعلی اویسی | | ۱۳۸۸/۰۴/۰۶ |
| نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر گیتی موسی پور | | ۱۳۸۸/۰۲/۰۶ |



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب مزده اصلانی تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: مزده اصلانی

امضاء

تقدیم به:

عزیزانی که در همه حال یاور و همراه همیشگی من در
زندگی و مشوق اصلی من در تمام مراحل تحصیلی
بوده اند و هستی ام مدیون آن هاست.

کسانی که تمام وجودم را لبریز از سپاس و تشکر خود
کرده اند و به اندازه همه ابیات سروده شده شاعران دنیا
دوستشان دارم

انسان هایی مهربان و فداکار و دوست داشتنی به نام :

پدر و مادر

سپاسگزاری

کو خلافت داد مшти خاک را

حمد پاک از جان پاک آن پاک را

حمد و سپاس خدای را ...

خدای مهربانی را که ظهوردهنده ی عشق است، انسان را خلیفه ی خود قرارداد و جانش را به نور علم

الاسماء منورنمود و راه هدایتش را به سوی کمالات و مقامات پیش نهاد.

با تقدیر و تشکر از سرکارخانم دکترشعبان زاده و جناب آقای دکتر مشهدی که راهنمایی و مشاوره حقیر

را در تهیه و تدوین رساله موجود برعهده داشته اند.

چکیده :

بررسی مضامین اجتماعی مشترک در دیوان ملک الشعراء بهار و اقبال لاهوری
ملک الشعراء، بهار و اقبال لاهوری از جایگاه والایی در ادبیات ایران و پاکستان برخوردار هستند . به دلیل شباهتهای
بسیاری که در شخصیت ادبی و موضوعات اشعار آنان وجود دارد ؛ بخصوص مضامین اجتماعی که در جای جای دیوان دو
شاعر به چشم می خورد ، به تطبیق اشعار بهار و اقبال می پردازیم .
در مقدمه ی رساله ، توضیحاتی درباره ی موضوع تحقیق و انگیزه ی انتخاب آن ، تحقیقات گذشته ، روش تحقیق و
زمینه های تحقیق برای آیندگان ارائه می گردد .
فصل اول شامل کلیات است که به دو بخش تقسیم می گردد در بخش اول ، وضعیت ایران در آستانه ی انقلاب
مشروطه ، تحول در شعر فارسی ، نقش بهار در تحول شعر فارسی و زندگی نامه ی او بررسی می شود .
بخش دوم به بحث درباره ی موضوعاتی چون وضع پاکستان و استقلال آن ، نقش اقبال در شعر فارسی پاکستان و
زندگی نامه ی او می پردازد .
در فصل دوم جامعه شناسی ادبیات ، هماهنگیهای موجود در مکان و زمان زندگی دو شاعر و شخصیت و
دیدگاههای آن دو به عنوان عوامل مؤثر در قرابت اندیشه و شعرشان مورد بررسی قرار می گیرد .
در فصل سوم سعی شده است ، مضامین اجتماعی مشترک در دیوان اقبال و بهار نمایانده شود که در آن
موضوعهایی مانند زن ، قانون ، ترویج نوگرایی ، وطن ، جمهوری ، تنفر از جنگ ، انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی
کشور ، اظهار علاقه به مادر و حق شناسی از او و ... مطرح شده است .
در پایان نتیجه گیری صورت گرفته است .

واژگان کلیدی: ملک الشعراء بهار، اقبال لاهوری، جامعه شناسی ادبیات، ادبیات مشروطه.

بررسی مضامین اجتماعی مشترک در دیوان ملک الشعراء بهار و اقبال لاهوری

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| | چکیده |
| ۱ | فصل اول : کلیات |
| ۲ | مقدمه |
| ۷ | بخش اول : ملک الشعراء بهار |
| ۸ | ۱- وضعیت ایران در آستانه ی انقلاب مشروطه |
| ۱۰ | ۲- پیروزی مشروطه خواهان |
| ۱۱ | ۳- زندگینامه ی بهار |
| ۱۲ | - خدمات مطبوعاتی بهار |
| ۱۴ | - تبعیدها و حبس ها |
| ۱۵ | - آثار و تألیفات بهار |
| ۱۷ | در گذشت بهار |
| ۱۷ | ۴- تحول در شعر فارسی |
| ۲۲ | ۵- مکتب نیوکلاسیسم در ایران |
| ۲۵ | ۶- نقش بهار در مکتب نیوکلاسیسم |
| ۳۱ | بخش دوم: اقبال لاهوری |
| ۳۲ | ۱- وضعیت پاکستان |
| ۳۳ | ۲- ناله و فریاد روح هند |
| ۳۵ | ۳- عصر اقبال |

| | |
|----|---|
| ۳۷ | ۴- پاکستان و اقبال |
| ۳۸ | ۵- پاکستان چگونه به استقلال رسید؟ |
| ۴۱ | ۶- نقش اقبال در شعر فارسی پاکستان |
| ۴۳ | ۷- معرفی اقبال در ایران |
| ۴۵ | ۸- شعر اقبال |
| ۴۹ | ۹- زندگینامه ی محمد اقبال لاهوری |
| ۵۱ | - مشاغل سیاسی اقبال |
| ۵۲ | - آثار اقبال |
| ۵۳ | - در گذشت اقبال |
| ۵۵ | فصل دوم: بررسی جنبه های مختلف زندگی دو شاعر(بهار و اقبال) |
| ۵۶ | ۱- جامعه شناسی ادبیات |
| ۵۸ | ۲- مکان و زمان زندگی دو شاعر |
| ۵۸ | - مکان زندگی بهار |
| ۵۹ | - زمانه زندگی بهار |
| ۶۰ | - مکان زندگی اقبال |
| ۶۰ | - زمانه زندگی اقبال |
| ۶۱ | ۳- شخصیت و عقاید دو شاعر(بهار و اقبال) |
| ۶۱ | - شخصیت و عقاید بهار |
| ۶۵ | - شخصیت و عقاید اقبال |
| ۷۱ | ۴- وجوه اشتراک ایران و پاکستان |
| ۷۱ | ۵- عوامل مؤثر و مشترک در زندگانی بهار و اقبال |
| ۷۴ | فصل سوم : مضامین اجتماعی مشترک در دیوان بهار و اقبال لاهوری |
| ۷۵ | ۱- آزادی |
| ۷۸ | ۲- اتحاد و ترک اختلافات داخلی و مذهبی |
| ۸۷ | ۳- استبداد ستیزی |

| | |
|-----|---|
| ۹۱ | ۴- انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور |
| ۹۸ | ۵- بیگانه ستیزی |
| ۱۰۹ | ۶- پیام بیداری کارگران علیه سرمایه داران |
| ۱۱۱ | ۷- ترس عامل بدبختی و فقر |
| ۱۱۲ | ۸- تشویق به تلاش و کوشش |
| ۱۱۴ | ۹- ترویج نوگرایی |
| ۱۱۷ | ۱۰- تعلیم و تربیت |
| ۱۲۵ | ۱۱- تلفیق بین تمدن جدید و میراث گرانبهای گذشتگان |
| ۱۲۸ | ۱۲- توجه به فضایل اخلاقی و مبارزه با رذایل اخلاقی |
| ۱۲۹ | - کبر - تواضع |
| ۱۳۰ | - هواپرستی ارزش واقعی عشق در جامعه |
| ۱۳۲ | - خشم و کینه جویی - مدارا و مهربانی |
| ۱۳۳ | - نیکوکاری و خدمت به خلق |
| ۱۳۴ | - دوری از نفاق و ریاکاری |
| ۱۳۵ | ۱۳- جمهوری خواهی |
| ۱۳۶ | ۱۴- حمایت از دین |
| ۱۳۸ | - انتقاد از زاهدان ریایی و فقیهان دروغین و بدکار |
| ۱۴۰ | - مبارزه با خرافات و تعصبات دینی |
| ۱۴۲ | - نکوهش جهان |
| ۱۴۳ | ۱۵- زن |
| ۱۴۳ | الف) زن در ایران |
| ۱۴۴ | ب) زن در شبه قاره ی هند(پاکستان) |
| ۱۴۴ | ج) تبیین ارزش والای زن |
| ۱۴۷ | د) مبارزه علیه ظلم بر زنان |
| ۱۴۸ | ه) تلاش برای آزادی زنان و مسأله ی حجاب |

| | |
|-----|---|
| ۱۵۲ | و) اظهار علاقه به مادر و حق شناسی از او |
| ۱۵۳ | ۱۶- قانون گرایبی |
| ۱۵۷ | ۱۷- قومیت گرایبی |
| ۱۶۲ | ۱۸- نفرت از جنگ |
| ۱۶۴ | ۱۹- وطن |
| ۱۶۹ | نتیجه |
| ۱۷۲ | فهرست منابع و مآخذ |

فصل اول: کلیات

شعر و ادبیات، پژوهاک اندیشه‌های هر جامعه است. شاعران در آثار خود، تحولات اجتماعی روزگارشان را رقم می‌زنند. بررسی دیدگاه‌های اجتماعی هر شاعر، در شناخت تحولات اجتماعی دوران آنها اهمیت زیادی دارد. هیچ کس از روزگار باستان، ارجاع اثر ادبی به عناصری از واقعیت اجتماعی یا آگاهی مشترک ملت یا گروه اجتماعی خاصی را منکر نیست.

ادبیات آینه‌ی یدیروزاست و تصویرگرامروزونماننده‌ی فردا ادبیات به جنبه‌های صرفاً گذراوناپایدارتجربه‌ی فردی یا جمعی توجه ندارد.

شعر از نهاد شاعر و از قلب و روح او سرچشمه می‌گیرد و تنها شاعر است که می‌تواند اندیشه و احساس خود را آن گونه که در می‌یابد و لمس می‌کند، به زبان آورده، بسراید و دیگران را تحت تأثیر سروده‌های خود قرار دهد، اگر چنین باشد، شعر و نام شاعر ماندگار می‌شود، دیده ایم و می‌بینیم که شعر بهار و اقبال ماندنی است و با گذشت سالیان دراز، اصالت و صداقت کلام و اندیشه‌ی شاعرانه سرایندگانشان را می‌توان دریافت.

اندیشه‌های بهار و اقبال، نو و متضمن نکات بلند اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است. هر دو شاعرانی هستند حقیقت جو و واقع بین، می‌دانند که وظیفه‌ی زبان و قلم گفتن و نوشتن حقیقت است نه وارونه جلوه دادن آن، آنها تلخیهای زندگی را بهتر از هرکس درک کرده و با مهارتی خاص به خواننده نشان می‌دهند که درک آنها نسبت به مفاهیم تعاون و اجتماع تا چه اندازه می‌تواند در پیشرفت جامعه مؤثر واقع شود.

قرن بیستم، قرن رونق بخشی ملی در سرتاسر آسیا بود. مللی که روزگاری تحت سلطه‌ی استعمارگران بودند، به مفهوم جدیدی از آزادی دست یافتند. بیداری این ملتها نه تنها به تحولات وسیع اجتماعی و سیاسی پیوست، بلکه تأثیری قاطع در حیات فکری و اندیشگی آنها داشت تا آنجا که شعر معاصر آنان، بیان بسیار روشنی از این بالندگی را به نمایش گذاشت. (الرحمن، ۱۳۷۸: ۷)

یکی از چیزهایی که موجب قوام ملت و سربلندی مردم می‌شود، توجه خاص به مسائل اجتماعی است و شاعران خردمند به این نکته وقوف کامل دارند که اگر ملتی به مسائل اجتماعی خود توجه داشته باشند و مردم کشور به محیط اجتماعی خود و قبل از خود آشنا باشند، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر آن کشور سلطه پیدا کند و شاعران می‌دانند که بهترین راه نفوذ بیگانگان در یک مملکت تحت تأثیر قرار دادن مردم نسبت به مسایل اجتماعی کشورهاست. (رنجبر، ۱۳۷۲: ۲۷)

۲- موضوع تحقیق و انگیزه ی انتخاب آن

نظر به اهمیت مطالعه و تحقیق در باب ادبیات معاصر و نقش ملک الشعرای بهار، این تحقیق به این حوزه اختصاص یافته است.

از میان شاعران شهیر معاصر «محمد تقی بهار» به دلیل رشد و ترقی در ابعاد متعدد علمی و ادبی توجه مرا به خود جلب کرد. انسان با مطالعه ی اشعار و آثار وی به حق احساس می کند که با شاعری نابغه، ادیبی برجسته، ناقدی پر مایه، مورّخی توانا، سیاستمداری دانا، روزنامه نگاری آگاه، مبارزی سترگ و وطن خواهی بزرگ مواجه است که در اکثر رشته ها تا حدی پیش رفته است.

ادبیات فارسی هرگز زندانی ایران نبوده است، و در آن محدود نخواهد شد. پژوهش در حوزه ی زبان و ادبیات فارسی، خارج از حوزه ی جغرافیایی امروز، گستره ای بس وسیع دارد.

اقبال لاهوری یکی از چهره های برتر شعر فارسی در شبه قاره ی هند است. پیوند دیرینه ی تاریخی، فرهنگی و مذهبی ایران و هند، همزمانی سرایش شعرهای اقبال با دوره ی نونگری ادبی ایران (عهد مشروطه)، زمینه های سنجش در سبک بازگشت ادبی ایران و سبک هندی از محورهای قابل بحث است؛ اما در یک بخش اهمیت کار اقبال را در سنت شکنیهای ادبی او در سبک هندی می دانیم. به عبارتی رویکرد اقبال به سبک خراسانی و سبک عراقی از سویی مرزی مشترک بین اقبال و شاعران «سبک بازگشت» ایران ایجاد می کند و از سویی دیگر وسعت فکر، باریک اندیشی، زمان اندیشی، آزادی خواهی، مبارزه با استعمار و دهها مفهوم دیگر او در شعر فارسی، اقبال را در ردیف شاعران برجسته ی عهد مشروطه قرار می دهد.

اقبال و بهار دو شاعر توانای معاصر بودند که در شرایط مشابهی چون مستعمره بودن کشورهای پاکستان و ایران، نوع تحصیلات، بهره گیری از موهبت اسلام و قرآن و تربیت در خانواده هایی معتقد و مذهبی، از نظر فکری بسیار به هم نزدیک شدند. به همین دلایل مضامین اجتماعی مشترک در دیوان این دو شاعر فرهیخته مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- تعریف مسأله و سوالات تحقیق و فایده ی بررسی موضوع

بررسی جامعه شناسی ادبیات نشان می دهد که شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر شکل گیری افکار و اندیشه های مشابه در افراد تأثیر فراوانی دارد؛ به طوری که در اوضاع و احوال مشابه بعد زمانی و مکانی در هم نوردیده می شود و اندیشه ها بسیار به هم نزدیک می گردند.

سؤال اصلی تحقیق این است که مسایل اجتماعی مشابه در دو جامعه ی ایران و پاکستان تا چه حد در ادبیات نخبگان موثر است و شاعران و فرهیختگان به چه میزان می توانند در تحولات اجتماعی موثر باشند.

با بهره گیری از جامعه شناسی ادبیات می توان موارد تلاقی آرا و اندیشه های شاعران را بررسی کرد. در اینجا لازم است به برخی از آثار و نتایج مطلوب این بررسی فهرست وار اشاره ای شود :

۱- فراهم نمودن زمینه برای خروج ادبیات از انزوا و عزلت و قرار دادن آن به عنوان جزئی از کل بنای میراث ادبی جهان در معرض اندیشه ها و افکار ؛

۲- ایجاد تعاون و تفاهم واقعی میان انسانها از طریق شناخت تمایلات و آرزوهای مشترک انسانی ؛

۳- کمک به دوستی و تفاهم ملت‌ها از طریق شناساندن میراث‌های تفکر مشترک ؛

۴- بررسی وجوه تشابه و اختلاف میان شعرا و نویسندگان بر حسب فرهنگهای متفاوت و تفکرات گوناگون آنها که از فراسوی ادبیات بر آنان اثر گذاشته است .

۵- بررسی و کشف ریشه ی جریانهای فکری در ادبیات ملی ؛

۶- کشف عناصری که الهام بخش استعدادها و شکوفایی ادبی است و بررسی عواملی که با بهره گیری از ادبیات کشورهای با شرایط فرهنگی مشابه بر تربیت و شکوفایی استعدادها مؤثر بوده اند .

۷- بررسی و کشف چگونگی هضم آثار دیگران در یک ادبیات و ایجاد سبک و آفرینشی نو از آن ؛

۸- تشریح خط سیر روابط و پیوندهای ادبی جهان ؛

۹- یافتن روشها و قوانین ارتباط بین فرهنگها ؛

۴- پیشینه ی تحقیق

با توجه به مقام ارزشمندی که بهار در تاریخ علم و ادب ایران و جایگاه رفیعی که در ادبیات معاصر فارسی کسب نموده و همچنین نقش و اهمیت انکار ناپذیری که در مبارزات سیاسی علیه استبداد و استعمار داشته است ، تحقیقات و تألیفات زیادی در مورد او موجود است ولی مقایسه ای بین وی و اقبال صورت نگرفته است . در لابه لای کتب معاصر نامی از او به میان آمده و به نقل شعری از دیوان حجیمش اکتفا شده است که در این میان اشارات "یحیی آراین پور" در جلد دوم "از صبا تا نیما" نسبت به سایرین مفصل تر و سودمند تر است.

"دکتر عبدالحسین زرین کوب" هم در "با کاروان حله" توضیحاتی درباره ی ابعاد مختلف شخصیت وی ارائه نموده و به تحلیل قصیده ای از او (رستم نامه) پرداخته است که درخور توجه است . تنها اثر مستقلی که

درباره ی «بهار» نوشته شده «نغمه ی کلک بهار» اثر «محمود رفعت» است که در آن مطلب تازه ای به چشم نمی خورد؛ زیرا نویسنده ابتدا فصلی درباره ی مراحل زندگی بهار نگاشته است که در اشعار و آثار وی بویژه در «تاریخ احزاب سیاسی» به قلم خود او به روشنی بیان شده است، آن گاه به نقل گزیده ای از انواع اشعار بهار بدون هیچ گونه تحلیل و تفسیری پرداخته است.

آثاری چون «به یاد میهن» نوشته ی «کامیار عابدی»، «شهر شعر بهار» اثر «محمد علی سپانلو»، «شرح احوال و آثار بهار» از «عبد الحمید عرفانی» نیز در همین حد نوشته شده اند.

محمد اقبال لاهوری شاعر پارسی گوی پاکستان است. البته پارسی گویی شاعران هندی چیز تازه ای نیست. ایران و هند دو شاخه ی برومند یک نهال هستند و زبان فارسی سالها زبان رسمی، علمی و ادبی در هند بوده است. متأسفانه اقبال و آثار ارزشمندش در بین مردم ایران چندان شناخته شده نیست، هرچند بزرگان و نویسندگان ایرانی بخشی از تحقیقات خود را به شناساندن علامه اقبال لاهوری اختصاص داده اند؛ اما معرفی ابعاد مختلف دیگر اقبال لازم به نظر می آید.

در ادامه به آثاری اندک و انگشت شمار که در مورد اقبال لاهوری و ملک الشعرای بهار تألیف شده است، اشاره می کنیم:

۱- رساله ی کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تطبیقی و وطنیات محمد تقی بهار (ملک الشعرا) و احمد شوقی (امیر الشعرا)» متعلق به آقای نواز اله فرهادی فارغ التحصیل در رشته ی زبان و ادبیات فارسی، استاد راهنما: دکتر سید فضل الله میرقادری، از دانشگاه شیراز.

۲- رساله ی کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تطبیقی دیوان ملک الشعرای بهار و امیر الشعرای شوقی» متعلق به خانم مهرانه ی رنجبر، فارغ التحصیل در رشته زبان و ادبیات فارسی، استاد راهنما: دکتر سید فضل الله میرقادری از دانشگاه شیراز.

۳- رساله ی کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی تطبیقی عشق در شعر اقبال و شابی» متعلق به پیوند بالانی فارغ التحصیل در رشته ی زبان و ادبیات فارسی، استاد راهنما: دکتر سید فضل الله میرقادری از دانشگاه شیراز.

۴. محمد بقایی (ماکان) کتاب های بسیاری در مورد اقبال تألیف کرده اند از جمله: اقبال با چهارده روایت، سونش دینار، قلندر شهر عشق (خطابه و گفتمان درباره ی اقبال)، خدادرتصور اقبال و.....

۵- روش تحقیق و زمینه های تحقیق برای آیندگان

روش تحقیق در این رساله ، کتابخانه ای است که با شناخت منابع و مآخذ آغاز شده است . سپس به مطالعه و تحقیق در منابع موجود پرداخته و از بعضی مطالب فیش برداری شده است . فصلهای ابتدایی بر اساس مطالب فیشها نگاشته شده و برای تألیف قسمت اصلی تحقیق که بررسی مضامین اجتماعی مشترک دو شاعر بوده ، ابتدا دیوان آن دو ، مورد بررسی قرار گرفته و از اشعارشان در این زمینه فیش برداری شده است . سپس فیشها بر اساس عنوان طبقه بندی شده و بر اساس مطالب هر دسته از فیشها و با بهره گیری از نیروی تفکر و استنباط بررسی اشعار و نتیجه گیری صورت گرفته است .

در ضمن پژوهش به موضوعات مناسب دیگری برای تحقیق برخوردیم که می تواند زمینه ی فعالیت

آیندگان عرصه ی تفحص باشد که از آن جمله به چند مورد اشاره می کنم :

۱- بررسی مفاهیم قرآنی در شعر ملک الشعرا بهار ؛

۲- بررسی مفاهیم قرآنی در شعر اقبال لاهوری ؛

۳- تاریخ در دیوان ملک الشعرا بهار ؛

۴- مقایسه ی تطبیقی دیوان اقبال با دیگران شاعران معاصر فارسی ؛

۵- مقایسه های تطبیقی بین آثار شعرا و نویسندگان فارسی زبان با آثار شعرا و نویسندگان غیر ایرانی که با وجود دشواری از جذآبیت و تازگی برخوردار است .

بخش اول : ملک الشعراء بهار

۱- وضعیت ایران در آستانه ی انقلاب مشروطه

می خواهیم بدانیم در این مقطع زمانی که از دوران حکومت ناصر الدین شاه قاجار تا پایان حکومت مظفر الدین شاه را در بر می گیرد ، فضای حاکم بر کشور ایران چگونه بوده است و چه عواملی زمینه ساز انقلاب در همه ی شوون زندگی ایرانیان و بخصوص فرهنگ و ادبیات شد .

از زمان حکومت ناصر الدین شاه قاجار ، ایرانیان به سبب یک رشته عوامل امکان آن را یافتند که وضعیت فلاکت بار خویش را که در اثر قرنهای حکومت مستبدانه پادشاهان برای آنان رقم خورده بود ، با چشم باز ببینند و به مقایسه ی این وضعیت با پیشرفتهای همه جانبه ی دنیای غرب بپردازند . آنان که اوج گرفتاری خویش را در جهل، فقر، بیماری و خرافات می گذراندند ، در درون خود احتیاج به نهضتی همه جانبه را احساس می کردند که بتواند آنان را از این مفاسد رها سازد ؛ بنابراین رفته رفته گامهایی در جهت ترقی و تجدد برداشتند . بزرگترین هدف آنان بهره مندی از دموکراسی به شیوه ی غربیان بود که دستیابی به آن جز با نهضتی بزرگ ممکن نبود .

ناصر الدین شاه در سال ۱۲۶۴ هـ . ق به سلطنت رسید و تا سال ۱۳۱۳ هـ . ق یعنی در حدود پنجاه سال بر کشور ایران فرمانروایی کرد . از همان ابتدای دوره ی سلطنت او ، عوامل و موجباتی فراهم آمد که در پیدایش اندیشه های آزادی خواهی مؤثر افتاد که مهمترین آن عوامل عبارت است از:

۱- ضرورت روی آوردن به دانش و فن جدید که تا حدودی پیامد جنگهای ایران و روس به فرماندهی عباس میرزا در عهد فتح علی شاه قاجار بود .

۲- رفت و آمد ایرانیان به کشورهای اروپایی و آشنایی آنان با تحولات جدید علمی ، فنی ، اقتصادی و سیاسی غرب بویژه اعزام گروههایی از محصلان ایرانی به خارج از کشور برای فراگیری دانش و کارشناسی جدید ؛

۳- رواج صنعت چاپ به عنوان اصلی ترین وسیله ی اطلاع رسانی که می توانست در انتقال سریع و گسترده ی افکار مؤثر باشد.

۴- رواج و گسترش روزنامه نویسی به عنوان مهمترین رسانه ای که اخبار و اطلاعات را در کوتاه ترین زمان در همه جا منتشر می کرد .

۵- ترجمه و نشر کتابها و آثار فرنگی که آشنایی همگانی تر با پیشرفتهای جهان غرب را بیش از پیش ممکن می ساخت . از جمله کتابهایی که از زبانهای اروپایی ترجمه شد ، غیر از متون درسی و علمی ، آثار زیر را می توان نام برد:

تاریخ پتر کبیر ، شارل دوازدهم ، اسکندر مقدونی ، همگی از "ولتر" و رمانهای تاریخی و علمی سه تفنگدار "گنت دو مونت کریستو" و لویی چهاردهم و پانزدهم از "الکساندر دوما" ، تلماک از "فلن" ، روبنسون کروزنه از "دنیل دفو" ، مسافرت گالیور از "جاناتان سوئیفت" و بالاخره سرگذشت حاجی بابا اصفهانی اثر "جیمز موریه" که به ترجمه ی "میرزا حبیب اصفهانی" شهرت و اعتباری خاص در زبان فارسی پیدا کرده است .

۶- تأسیس مدرسه ی فنی دارالفنون و تعمیم و گسترش دانشهای نوین که خود می توانست مقدمه ای بر تعلیم و تربیت همگانی به شیوه ی جدید باشد و سرانجام تأسیس دانشگاه در دوره های بعد . (یا حقی ، ۱۳۷۵ : ۱۴-۱۳)

عوامل فوق و اقدامات امیر کبیر سبب شده بود که چهره ی فرهنگی جامعه ی ایران در آستانه ی مشروطیت کاملاً تغییر یابد . از طرفی روشنفکران ؛ یعنی قشر تحصیلکرده از طریق مطبوعات و آثاری که منتشر می کردند ، سرعتی روزافزون به جریان نوگرایی می بخشیدند و سبب آشنایی بیشتر مردم با پدیده های نو و مظاهر فرهنگ جهانی که با شتاب رو به ترقی داشت ، می شدند .

این روشنفکران که به وسیله ی کتاب و روزنامه به روشن ساختن ذهن مردم و تربیت فکر آنان پرداختند ، بنابر فعالیتی که در داخل یا خارج از کشور انجام می دادند به دو دسته ی داخلی و خارجی تقسیم می شدند . از گروه روشنفکران داخلی می توان رضاقلی خان هدایت ، محمد حسن خان اعتماد السلطنه ، محمد طاهر میرزا و ... و از گروه خارجی ، که اغلب به سبب اوضاع نامساعد سیاسی و اجتماعی جلای وطن کرده بودند ، عبدالرحیم طالبوف ، زین العابدین مراغه ای ، میرزا ملکم خان ، سید جمال الدین اسدآبادی و ... را نام برد .

اینان در آرزوی آن بودند که ایران هرچه زودتر از فرهنگ فرسوده ی خویش دست بردارد و با کاروان تجدد همراه و همسو شود. افراط بعضی از افراد این قشر تحصیلکرده در رویگردانی از عوامل بازدارنده ی سنتی، زمینه را برای پرورش غرب گرایی در جامعه ی ایرانی هموار کرد . بویژه که گروههایی با همین باور در مجلس شورای ملی دوره ی مشروطه راه پیدا کردند و با تبلیغ مظاهر فرهنگ و تمدن غرب ، عرصه را بر پاسداران ارزشهای سنتی تنگ نمودند ، با این وصف نقش این قشر تحصیلکرده در بیداری و به وقوع پیوستن نهضت مشروطه ، نقشی مردمی و کلیدی محسوب می شود .